



پاکستان / Pakistan

کشوری مسلمان واقع در سواحل شمالی اقیانوس هند و از مهم‌ترین مناطق ارتباطی آسیای مرکزی و هندوستان با خلیج فارس.

پاکستان کشوری است که مناسبات دیرینه و همه‌جانبه با کشورهای حوزه خلیج فارس داشته است. توجه پاکستان به منطقه خلیج فارس به شکست این کشور در جنگ با هند در 1971م. بازمی‌گردد. تأسیس کشور بنگلادش، قدرت گرفتن هند و تشکیل محور مسکو - دهلی نو، زمامداران اسلام‌آباد را به سوی یافتن دوستان و متحدانی در خلیج فارس سوق داد. ذالفقار علی‌بوتو، نخست‌وزیر وقت پاکستان، ضمن انتقاد از رویه دهلی نو نسبت به همسایگانش، هند را نکوهش کرد که قصد سلطه بر پاکستان و سپس بر سرتاسر منطقه جنوب آسیا به‌خاطر نزدیکی آن به خلیج فارس را دارد (Bhutto, 1973: 170). در آن زمان، ایران نگران بود که اقدامات مشترک شوروی، هند و افغانستان به تجزیه بلوچستان پاکستان منجر شده و سبب شود قدرت‌های طرفدار مسکو به طرف خلیج فارس پیشروی کنند. سفر بوتو به تهران در نیمه 1973م. و صدور اعلامیه مشترک ایران و پاکستان نوعی همکاری میان دو طرف را دربر داشت. آمریکا و کشورهای غربی به نوبه خود از تشکیل محور جدید استقبال کردند و اعراب خلیج فارس و به‌ویژه عربستان سعودی کمک‌های خود را به طرف اسلام‌آباد روانه کردند. از دید غرب و متحدان عربی در منطقه خلیج فارس، کشور پرجمعیت و غیرعرب پاکستان، که از طریق دریای عمان و خلیج فارس با شبه‌جزیره عربستان مجاور است، می‌تواند نقشی مهم در کشورهای عرب منطقه ایفا کند. ریگان، رئیس‌جمهور آمریکا در دهه 1980م. معتقد بود پاکستان پس از سقوط شاه ایران و اشغال افغانستان از جمله کشورهایی است که برای اجرای سیاست‌های منع گسترش نفوذ شوروی در خلیج فارس از اهمیت فوق‌العاده برخوردار است. در واقع، به‌دنبال فروپاشی دکترین دوستونی نیکسون در خلیج فارس در اواخر دهه 1970م.، واشنگتن در مقطعی به فکر جایگزینی پاکستان به جای ایران در اتحاد با عربستان افتاد. بنابراین، بی‌دلیل نبود که به‌هنگام حمله کماندویی به مسجد اعظم مکه در نوامبر 1979، پاکستان که افسران مسئول تعلیم لشکرهای سعودی‌ها بودند، داوطلب اعزام گروه کماندوهای ضدشورش شدند (لیسی، 1374: 723).

وجه مشخصه سیاست کارتر و ریگان این بود که رابطه‌ای اطمینان‌بخش با اسلام‌آباد برقرار کنند، به این امید که اشکال گوناگون همکاری‌های مشترک در منطقه خلیج فارس امکان‌پذیر باشد (اسدی، 1357: 139). این همکاری دسترسی نیروی واکنش سریع به بنادر و پایگاه‌های هوایی پاکستان و در مرحله بعد کمک به نیروهای امریکایی به‌هنگام ضرورت را شامل می‌شد. واشنگتن در مقابل اعطای کمک‌های نظامی و مالی به اسلام‌آباد اجازه

گرفت تا دستگاه‌های اطلاعاتی الکترونیکی خود را در پاکستان مستقر و پاکستانی‌ها را به ایفای نقش رابط برای ارسال کمک‌های نظامی به مجاهدین افغانی تشویق کند. اگرچه رهبران پاکستان مکرر اعلام کردند که سیاست خارجی عدم تعهد آنها همکاری نظامی با آمریکا را در منطقه خلیج فارس غیرممکن می‌کند، اما شواهد خلاف آن را نشان می‌دهد. طرح گنجاندن اسلام‌آباد در توافق‌های راهبردی آمریکا در خلیج فارس به تصویب کمک‌های چند میلیارد دلاری نظامی و اقتصادی واشنگتن و فروش و تحویل تعدادی قابل ملاحظه هواپیماهای اف 16 به پاکستان منجر شد. پاکستان که به مزایای جنبی این همکاری پی برده بود، در سطحی وسیع به اعزام نیروهای نظامی به کشورهای عرب خلیج فارس پرداخت به‌طوری‌که 30 هزار پاکستانی در میان پرسنل پادگان ملک‌خالد در نیمه دهه 1980م. مشغول خدمت بودند (آشتی، 1366: 72).

با توجه به پیشینه روابط پاکستان با کشورهای عرب خلیج فارس، مسئله تجاوز عراق به کویت نمی‌توانست از سوی اسلام‌آباد نادیده گرفته شود. پاکستان در قبال جنگ عراق علیه ایران نیز موضع بی‌طرفی اتخاذ کرده و خواستار خاتمه جنگ شده بود. ضیاءالحق، رئیس‌جمهور آن کشور، یک سلسله مأموریت‌های میانجی‌گری و صلح را برعهده گرفت که به‌علت محکوم نکردن متجاوز نتیجه‌ای دربر نداشت. در 1363، پاکستان اندکی تغییر موضع داد و به قطعنامه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس (فارس) رای مثبت داد که به‌طور تلویحی جمهوری اسلامی ایران را به خاطر حمله به کشتی‌های بی‌طرف در خلیج فارس محکوم می‌کرد (علی‌بابایی، 1375: 347).

در طول دهه 1980م. همکاری نزدیک پاکستان با کشورهای عرب خلیج فارس ادامه یافت. اسلام‌آباد طرح‌های فهد - فاس را در ارتباط با فلسطین اشغالی پذیرفت و در کنفرانس سران کشورهای اسلامی در کازابلانکا، به همراه اعراب خلیج فارس نقشی مهم در بازگشت مصر به سازمان کنفرانس اسلامی ایفا کرد. به‌رغم حمایت کامل اسلام‌آباد از سیاست‌های اعراب خلیج فارس، ریاض در 1987م. هنگامی که ایران در جنگ با عراق برتری را به‌دست آورد، نگران شد و نیروهای پاکستانی مستقر در عربستان را تقلیل داد که تا حدودی به ایران تمایل نشان می‌دادند. با وجود این اقدام عربستان سعودی، پاکستان به درخواست ملک فهد در بحبوحه اشغال کویت به‌وسیله عراق با اعزام نیرو به عربستان موافقت کرد. پاکستان در مراحل مختلف بحران کویت 10 هزار نفر نیروی نظامی با تجهیزات کامل روانه عربستان کرد. در مقابل این اقدام دولت پاکستان، گروه‌های مخالف دولت اعزام نیرو به عربستان را اشتباه می‌خواندند. برای مثال، مولانا شاه احمد نورانی، رئیس جماعت علمای پاکستان، اعلام کرد: پاکستان با تهدید مرزهایش از طریق دریای عرب مواجه است و درست نیست که نیروهایش را به خلیج فارس اعزام کند (The Muslim, 21 Sep. 1990: 6).

بحران در منطقه خلیج فارس سبب شد تا پاکستانی‌ها شاغل در منطقه همانند دیگر اتباع خارجی در صدد فرار از منطقه برآیند

منطقه خلیج فارس نه تنها بر احساسات متکی است بلکه مبتنی بر واقعیات عملی است و این پایه‌ای محکم در سیاست خارجی پاکستان است (Hasnat, 1991: 10).

در پایان جنگ سرد و خروج نیروهای شوروی از افغانستان و حضور گسترده نیروهای امریکایی و اروپای غربی در خلیج فارس، پاکستان فرصتی برای شرکت در ترتیبات منطقه‌ای جهت امنیت خلیج فارس پیدا نکرد. اسلام‌آباد ابتدا نوعی همکاری میان سازمان همکاری منطقه‌ای/اگو و شورای همکاری خلیج (فارس) را پیشنهاد کرد. شرط اساسی مورد نظر در تفاهم میان دو ساختار مزبور می‌باید به دور از هرگونه نفوذ قدرت‌های برون منطقه‌ای باشد (حسنات، 1370: 116). اما با شکست طرح‌های پاکستان درباره نقش این کشور در ترتیبات سیاسی - امنیتی خلیج فارس، اسلام‌آباد توجه خود را در دهه 90م. بار دیگر به طرف افغانستان معطوف کرد. با شدت یافتن جنگ افغانستان بین سال‌های 1992 و 1995م.، پاکستان و عربستان سعودی بارها تلاش کردند همه جناح‌های افغانی را دور هم جمع کنند، اما همه مساعی‌شان را برای جلوگیری از مشارکت ایران و هزاره‌ها در هرگونه توافق محتمل نیز به کار بستند. مخالفت پاکستان و عربستان با حضور ایران در دهه 1990م.، که شبیه رفتار امریکا با ایران در دهه 1980م. بود، بر تلخکامی تهران افزود. پاکستان دیپلماسی ماهرانه دهه 1980م. خود را مبنی بر ایجاد توازن بین منافع سعودی و ایران به نفع سعودی‌ها کنار گذاشت (رشید، 1379: 211).

در نیمه دهه 1990م. گروه طالبان با کمک پاکستان، عربستان و بعضی دیگر از کشورهای شورای همکاری خلیج (فارس) نظیر امارات حضورش را در صحنه افغانستان گسترش داد. محور جدید اسلام‌آباد - ریاض - ابوظبی در حمایت از حکومت طالبان با تغییر سیاست امریکا به دنبال وقایع 11 سپتامبر 2001 دوامی نیافت و به زودی از هم پاشید. این سیاست نافرجام پاکستان در حمایت از طالبان، آثار ناگوار خود را بر دوستان عرب این کشور در حوزه خلیج فارس به جا گذاشت (همان).

موضوع دیگر در مورد سیاست‌های پاکستان در خلیج فارس به برنامه تسلیحاتی اتمی پاکستان بازمی‌گردد. به دنبال انفجارهای اتمی پاکستان در مه 1998، اسلام‌آباد سیاست مبهم اتمی خود را، که از دهه 1980م. اتخاذ شده بود، کنار گذاشت. بمب اسلامی از زمان ذوالفقار علی بوتو اصطلاحی شد که پاکستانی‌ها برای جذب دلارهای نفتی عربستان، امارات و دیگر اعراب منطقه به کار می‌بردند. بوتو گفته بود تمدن‌های مسیحی، یهودی و هندو دارای بمب اتمی هستند و تنها تمدن اسلامی فاقد آن است که ما باید این وضعیت را تغییر دهیم. ضیاءالحق دیگر متذکر شده بود که ما این فناوری حساس هسته‌ای را در اختیار کسی قرار نمی‌دهیم این از اصول امنیت ملی پاکستان است. با توجه به این ملاحظات، آزمایش‌های هسته‌ای پاکستان در نزد مقامات کشورهای غربی حوزه خلیج فارس با واکنش‌های متفاوتی روبه‌رو شد. به‌طور مثال، وزیر دفاع بحرین خاطر نشان کرد: اسلام و سازمان‌های

و سعی کنند به وطن خود بازگردند که مشکلاتی از قبیل هزینه‌بازگشت، بیکاری نیروی مهاجر و از دست دادن ارز ارسالی کارگران مهاجر برای دولت پاکستان را به همراه داشت. تعداد کارگران پاکستانی به 120 هزار نفر می‌رسید و گفته می‌شد این پاکستانی‌ها هر سال 500 میلیون دلار به کشورشان ارسال می‌کردند (The Muslim, 7 Sep. 1990: 2).

از جانب دیگر، اقدام شورای امنیت سازمان ملل در صدور قطعنامه‌های تحریم اقتصادی عراق و کویت، که تأیید پاکستان را نیز به همراه داشت، خساراتی بر اقتصاد پاکستان وارد آورد. غلام مصطفی جاتوئی، نخست‌وزیر وقت پاکستان، در دیدار از عربستان به امیر کویت گفت که پاکستان حدود 50% نفت مورد نیاز خود را از کویت تأمین می‌کند. در نتیجه، وزیر نفت عربستان قول داد 50% نفت پاکستان را تأمین کند (The Pakistan Times, 1990: 2). به دنبال این بحران، افزایش سریع قیمت نفت ضربه‌ای دیگر به اقتصاد شکننده پاکستان وارد آورد. با افزایش قیمت نفت حدود یک میلیارد روپیه به بودجه پاکستان ضرر وارد شد. در نتیجه، رئیس‌جمهور پاکستان در دیدار با دبیرکل وقت سازمان ملل درخواست کرد که نام پاکستان به سبب خسارت سالانه 3/3 میلیارد دلار در فهرست کشورهای قرار گیرد که از بحران خلیج فارس صدمه دیده‌اند.

در صحنه سیاسی، نواز شریف، نخست‌وزیر پاکستان، اقداماتی گسترده را به منظور حل بحران خلیج فارس در پیش گرفت. به همین منظور، نخست از ایران دیدار کرد که به نظر پاکستانی‌ها از نظر نمادین بسیار مهم بود. در این سفر، نخست‌وزیر پاکستان طرح صلحی شش ماده‌ای عرضه کرد که در آن خواستار خروج سریع عراق از کویت، برقراری آتش‌بس، تشکیل و اعزام نیروهای حافظ صلح اسلامی و اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت درباره همه مسائل منطقه از جمله کشمیر و فلسطین شده بود. در این طرح، خروج همه نیروهای خارجی از خلیج فارس و واگذاری امنیت منطقه به کشورهای خلیج فارس گنجانده شده بود (گروه تحقیق خبرگزاری جمهوری اسلامی، 1371: 34). اما این طرح و مسافرت‌های مقام پاکستانی بی‌نتیجه ماند و هنگامی که پاکستان به بی‌ثمر بودن اقداماتش پی برد، کاردار عراق را از اسلام‌آباد اخراج کرد. بخشی از این سیاست می‌توانست به سهیم‌بودن پاکستان در طرح‌های کلی امریکا در منطقه و محور ریاض - اسلام‌آباد در دهه 1980م. بازگردد. پاکستان در این دهه به شدت خود را درگیر سیاست‌های واشنگتن در جنوب غربی آسیا کرده و به‌مثابه حلقه اصلی کمربند امنیتی غرب و به‌عنوان پشتوانه عربستان ایفای نقش می‌کرد (الهی، 1368: 291).

در چهارچوب وقایع کویت، منافع سنتی پاکستان در خلیج فارس با به خطر افتادن عربستان دستخوش مخاطره شد. منافع گسترده پاکستان در کشورهای خلیج فارس، وضعیت منطقه را برای اسلام‌آباد به گونه‌ای درآورده بود که نمی‌تواند در مورد آن بی‌تفاوت بماند. به گفته یک استاد پاکستانی، روابط پاکستان با

پاکستان ناچار به تلاش‌های ویژه برای همزیستی با رژیم‌های عرب شبه‌جزیره عربستان و اطراف خلیج فارس ادامه خواهد داد مگر آنکه کشورهای عربی سیاست‌هایی اتخاذ کنند که منافع پاکستان را به‌طور مستقیم به خطر اندازند که در کوتاه و میان‌مدت بعید به نظر می‌رسد. در این شرایط روابط تهران با اسلام‌آباد بر بنیاد اتخاذ سیاست خارجی میانه‌رو از جانب پاکستان در ارتباط با افغانستان استوار خواهد بود. در سیاست‌های بلندمدت ایران، اهمیت مرزهای شرقی در ابعاد زمینی و دریایی مطرح است. سیاست‌های پاکستان در کنار اقیانوس هند و به‌ویژه در مجاورت بندر مهم ایرانی چاه‌بهار - در اطراف این منطقه راهبردی - بر امنیت بنادر و راه‌های دسترسی ایران در خلیج فارس به مسیرهای دریایی آزاد جهان در شرق و غرب تأثیر می‌گذارد.

کتاب‌شناسی

- آشتی، نصرت‌الله. 1366. *ساختار حکومت عربستان سعودی*. تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- اسدی، بیژن. 1371. *علاق و استراتژی ابرقدرت‌ها در خلیج فارس 1357-1368*. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- الشایجی، عبدالله. 1998. «توازن‌الرعب». *الوطن*. 30 مایو (آيار).
- الهی، همایون. 1368. *خلیج فارس و مسائل آن*. تهران: قوس.
- حسنت، فاروق. 1370. «پدیداری الگوهای ساختار امنیتی در خلیج فارس». در *مجموعه مقالات سومین سمینار بررسی مسائل خلیج فارس*. تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- رشید، احمد. 1379. «طالبان و اسلام، نفت و بازی بزرگ جدید». ترجمه اسدالله شقایق و صادق باقری. تهران: دانش هستی.
- عطوان، عبدالباری. 2001. «العدالة الامریکیة المطلقة». *القدس العربیة*. 21 ایلول (سبتمبر).
- علی‌بابایی، غلامرضا. 1375. *تاریخ سیاست خارجی ایران (از شاهنشاهی هخامنشی تا به امروز)*. تهران: درسا.
- گروه تحقیق خبرگزاری جمهوری اسلامی. 1371. «جنگ خلیج فارس» (25): *تلاش‌های سیاسی برای خاتمه جنگ (4)*. اردیبهشت، 1371.
- لیسی، رابرت. 1374. *سرزمین سلاطین*. ج 2. ترجمه فیروزه خلعت‌بری، تهران: شب‌اوز.

Bhutto, Zulfikar Ali. *Speeches and Statements*. 1 April 1973- 1 August 1973, Islamabad: Ministry of Information and Broadcasting Government of Pakistan.

Hasnat, Farooq. 1991, "Pakistan at the Crossroad of (Persian) Gulf war". *National Seminar*. 10th February 1991, Lahore: Pakistan Institute of National Affairs.

The Muslim. 21 Sep. 1990.

----. 7 Sep. 1990.

The Pakistan Times. 14 and 21 Sept 1990.

اسلامی عواملی نیستند که به‌طور واقعی بر قابلیت هسته‌ای پاکستان نفوذ داشته باشند. به‌جای آن، رهبران پاکستان از این حربه جهت منافع ملی کشور خودشان از جمله بازدارندگی تهدید از جانب هند به‌صورت عاملی قاطع استفاده می‌کنند (الشایجی، 1998: 2)

این‌گونه موضع‌گیری هدفی خاص داشت که به اعراب خلیج فارس یادآوری می‌شد که هیاهو پس از آزمایش‌های اتمی پاکستان، به این فرض که سلاح‌های هسته‌ای در دست مسلمانان پاکستان مواضع عربی را تقویت خواهد کرد، بی‌پایه و اساس است. هم رهبران نظامی پاکستان و هم سران عربستان و امارات، در جریان سرنگونی طالبان در افغانستان، نشان دادند که تا چه حد به منافع ملی کشورها و نظام‌های سیاسی خود پایبند هستند. وقایع اوایل قرن بیست‌ویکم از جمله اشغال افغانستان و عراق به‌وسیله آمریکا و نیروهای ائتلاف غربی، اتحاد میان پاکستان و کشورهای شبه‌جزیره عرب را تحت‌الشعاع قرار داد. پاکستان، که نگران اتحاد جدید واشنگتن و دهلی نو بود و به‌کارگیری سیاست چماق به‌وسیله آمریکا در افغانستان را تجربه کرده بود، در تحولات منطقه خلیج فارس بیشتر نگران وضعیت داخلی و تمامیت ارضی خود شد. از جانب دیگر، فشار واشنگتن بر اعراب خلیج فارس به حدی بود که چاره‌ای جز پیروی کامل نداشتند به‌طوری‌که روزنامه‌نگاری عرب نوشت: بیشتر حکومت‌های عربی دارای حاکمیت نیستند (عطوان، 2001: 1)

در سیاست جدید آمریکا در خلیج فارس، که به‌وسیله نومحافظه‌کاران اعمال می‌شد، متحدان عرب واشنگتن باید بدون چون و چرا دستورات ایالات متحده آمریکا را در منطقه به اجرا گذارند. بنابراین، ائتلاف‌هایی از نوع اسلام‌آباد - ریاض در دهه 1980م. و 1990م. در سایه حضور مستقیم آمریکا در منطقه آسیای غربی و خلیج فارس به‌سرعت رنگ باخت. به‌این‌ترتیب، پاکستان تا حد بسیار از حمایت کشورهای عرب حوزه خلیج فارس محروم شد. حضور گسترده نیروهای آمریکایی در اقیانوس هند، دریای عرب و خلیج فارس و ایجاد پایگاه‌های جدید نظامی ایالات متحده در شیخ‌نشین‌های عربی همچون قطر، بحرین و کویت، تلاش راهبردی پاکستان برای دستیابی به خلیج فارس و تأمین امنیت این منطقه به‌عنوان یکی از اصول سیاست خارجی و امنیتی اسلام‌آباد را دچار اخلال کرد. بعضی از تحلیل‌گران پاکستانی معتقدند حمله به عراق در راستای سیاست امپریالیستی آمریکا در خاورمیانه و خلیج فارس و به‌طورکلی در جهان بوده است. جنگ عراق موجب بروز شکاف بین آمریکا و متحدان سنتی این کشور شد. این شکاف بین ایالات متحده و دنیای اسلام عمیق‌تر بود.

پاکستان به‌دنبال سال‌های متمادی جنگ و کشمکش با هند به لحاظ تاریخی نسبت به دنیای اسلام نوعی احساس انزوا داشته است. اسلام‌آباد دربارهٔ موجودیت مخاطره‌آمیز خود در کنار هند و اقیانوس هند به نوعی نگرانی مزمن مبتلاست. در این شرایط،